



پاسخ به اتهامات سایت آذربایجانی/ ایران از جمهوری آذربایجان چه می‌خواهد؟!

روزنامه «ینی مساوات» چاپ باکو همزمان با سفر وزیر خارجه ایران به باکو، مطلبی تحت عنوان «ایران از (جمهوری) آذربایجان چه می‌خواهد»، منتشر کرد.

به گزارش آران نیوز به نقل از مشرق نیوز، روزنامه «ینی مساوات» چاپ باکو همزمان با سفر وزیر خارجه ایران به باکو، مطلبی تحت عنوان «ایران از (جمهوری) آذربایجان چه می‌خواهد»، منتشر کرد که به احتمال قوی با هدایت «شعبه اجتماعی سیاسی» ریاست جمهوری آذربایجان تهیه و منتشر شده است تا به موازات چانه زنی دیپلماتیک در جریان سفر وزیر خارجه ایران به باکو، از چاشنی فشار رسانه ای نیز بهره برداری شود. دو محور اصلی تلاش باکو برای فشار رسانه ای در جریان سفر وزیر خارجه ایران به جمهوری آذربایجان، اعتراض به مصاحبه یکی از روزنامه های چاپ تهران با «وزیر خارجه جدایی طلبان قره باغ» و برگزاری همایشی علمی در موسسه ای خصوصی در تهران درباره تحولات ژئوپلیتیک منطقه قفقاز و حضور محققان و سیاسیون ارمنی در آن همایش و همچنین اعتراض به مصاحبه «مشرق» با دو نفر از کارشناسان مسایل جمهوری آذربایجان درباره مناسبات باکو با رژیم صهیونیستی است. صرف نظر از محور نخست که احتمالاً ذریبطانش در آن باره روشننگری خواهند کرد، «مشرق» درباره محور دوم مقاله «ینی مساوات»، ملاحظاتی را تذکر می‌دهد:

این روزنامه چاپ باکو مطابق رویه معمول خود در تبلیغات منفی علیه ایران، جملات دروغین و تحریف شده ای را درباره «مشرق» و سابقه کارشناسانی که با مشرق درباره روابط باکو با رژیم صهیونیستی مصاحبه کرده بودند، منتشر کرده است که ارزش توضیح و پاسخ گویی ندارد. این روزنامه چاپ باکو از اینکه به تعبیر این روزنامه در مصاحبه مورد بحث، روابط باکو با رژیم صهیونیستی «تفتیش» شده، به شدت اظهار ناراحتی کرده است. در این باره، باید گفت که روابط باکو با رژیم صهیونیستی و نفوذ سرطانی این رژیم در جمهوری آذربایجان نیازمند تحقیق و بررسی دقیق و به تعبیر «ینی مساوات»، نیازمند «تفتیش» است. زیرا، این روابط نامشروع و زیانبار نه تنها برای جمهوری آذربایجان و مردم مسلمان این کشور، بلکه برای جمهوری آذربایجان خطرناک است. نفوذ سرطان گونه رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان به حدی گسترش یافته است که این رژیم از جمهوری آذربایجان و نخجوان، پهنادهای جاسوسی را علیه ایران به پرواز درآورده، از آنجا به عنوان سکویی برای نقل و انتقال تروریست هایی که به دانشمندان هسته ای ایران سوء قصد کردند استفاده کرده، از آنجا برای هماهنگی تحریک قومگرایی و تجزیه طلبی علیه ایران استفاده می‌کند، تروریست های منافق را در آنجا مستقر کرده است. انتظار اینکه رسانه های ایران این رابطه خطرناک باکو با رژیم صهیونیستی را مطالعه، بررسی و ارزیابی نکنند و به اطلاع مردم و مسئولان نرسانند، انتظاری عبث است. حتی به تعبیر «ینی مساوات» باید این رابطه را «تفتیش» کرد. زیرا، خود باکو و ابزارهای رسانه ای آن نیز به خوبی می‌دانند که رابطه باکو با رژیم صهیونیستی مجرمانه و نیازمند «تفتیش» است.

در مقاله «ینی مساوات» آمده است که از نظر کارشناسان مصاحبه کننده با «مشرق»، «گویا تمامی بیماران جمهوری آذربایجان باید در ایران و مرکز پزشکی دخمه گونه ایران در باکو معالجه شوند!» این روزنامه برای توجیه همکاری باکو با رژیم صهیونیستی در تلاش برای تبلیغات منفی علیه نظام درمانی ایران که مورد اعتماد مردم جمهوری آذربایجان است، چنین ادعایی را مطرح می‌کند. نگرانی و ناراحتی رژیم صهیونیستی از هرگونه رابطه سازنده مردم جمهوری آذربایجان با ایران، از جمله سفرهای درمانی این مردم به ایران، اظهار من الشمس است. اما، اعتراف ضمنی «ینی مساوات»، یعنی ارگان رسانه ای غیررسمی «شعبه اجتماعی سیاسی ریاست جمهوری آذربایجان» به ناراحتی باکو از مراجعه مردم جمهوری آذربایجان به مراکز درمانی ایران برای معاینه و معالجه، مایه تاسف است و خود نیز نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی تا چه حد در ریاست جمهوری آذربایجان و رسانه های باکو نفوذ سرطانی خود را گسترش داده است.

در جملات دیگری از مقاله «ینی مساوات»، محدود بودن حجم تجارت جمهوری آذربایجان با ایران و گستردگی تجارت باکو با رژیم صهیونیستی و نیز گستردگی حجم خریدهای تسلیحاتی باکو از این رژیم توجیه شده و در تعریض و هجوگویی علیه سخنان کارشناسان مصاحبه کننده با مشرق آمده است: «گویا فقط باید با ایران تجارت شود و (جمهوری) آذربایجان باید منتظر روزی باشد که نظامیان فارس سلاح هایی را که هنوز به خواب هم ندیده اند، تولید نمایند!» واقعیت این است که باکو و بوق های رسانه ای اش نمی‌توانند با هجو و لودگی، از زیر بار مسئولیت ناشی از گشودن دست و دل بازانه درهای جمهوری آذربایجان به روی صهیونیست ها و تبدیل این جمهوری به حیاط خلوت رژیم جنایتکار صهیونیستی شانه خالی کنند. تبدیل جمهوری آذربایجان به منبع اصلی تامین نفت خام و بنزین مورد نیاز رژیم صهیونیستی که بخش اعظم آن به شکل بمب به روی سر مردم مسلمان ریخته می‌شود و نیز تبدیل جمهوری آذربایجان به انبار تسلیحات رژیم صهیونیستی که مشخص است این رژیم با تسلیحات انبار کرده در جمهوری آذربایجان در آینده چه جنایاتی را ممکن است مرتکب شود، جرمی در حد جرم ها و جنایات همین رژیم است که نیازمند «تفتیش» است.

مقامات و رسانه های رژیم صهیونیستی بارها اذعان کرده‌اند که رابطه با جمهوری آذربایجان را برای ضربه زدن به ایران یا دستکم اجرای عملیات روانی ضدایرانی می‌خواهند. همین واقعیت که آویگدور لیبرمن، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، هدایت‌کننده و هماهنگ کننده اصلی سیاست رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان است، بسیاری از توطئه ها را برملا می‌کند. هم اکنون لیبرمن نقش «حاکم نظامی» رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان را بازی می‌کند و در مصاحبه های اختصاصی اش با خبرنگاری رسمی آذرتاج و سایر رسانه های باکو، در حد رییس جمهوری آذربایجان و حتی بالاتر از وی ظاهر و معرفی می‌شود. قطعا دست اندرکاران رسانه ای جمهوری آذربایجان به خوبی می‌دانند که ادعاهای باکو مبنی بر داشتن سیاست خارجی مستقل و مانورها و زیگزگ‌زدن‌های ظاهری و نمایشی باکو در برخی موضوعات بین المللی از جمله مساله اخیر قدس، به معنای بی‌تاثیر شدن نفوذ رژیم صهیونیستی در سیاست ها و اقدامات حکومت جمهوری آذربایجان نیست. به گونه ای که با هر اقدام نمایشی باکو برای تظاهر به استقلال عمل در موضع گیری در سیاست خارجی، افرادی مثل آریه گوت، رییس سازمان صهیونیستی «طرح های بین المللی برای جامعه» و آویگدور لیبرمن و سایر صهیونیست ها به سرعت با استفاده از رسانه های متعلق به همین دولت باکو، دروغین و نمایشی بودن و بی‌تاثیر بودن موضع گیری های لفظی باکو مبنی بر استقلال عمل در سیاست خارجی را برملا می‌کنند و تبدیل شدن جمهوری آذربایجان به حیاط خلوت رژیم صهیونیستی را جار می‌زنند. برای مشاهده تناقض های رفتاری و گفتاری باکو، کافی است این روزها به مراسم ها و جشن هایی که باکو با همکاری صهیونیست ها و عوامل محلی آنها تحت عنوان «جشن های روز همبستگی آذربایجانی های دنیا» در نقاط مختلف و بخصوص در فلسطین اشغالی برگزار می‌کند، توجه شود. تمامی این ها نشان می‌دهد که جرم باکو در زمینه ارتباطات و همکاری های نامشروع و خطرناک با رژیم صهیونیستی را نه فقط «مشرق» بلکه تمامی رسانه ها و نهادهای مربوطه بطور جدی مطالعه، بررسی، ارزیابی و به تعبیر «ینی مساوات» آن را «تفتیش» و نتیجه را برای اطلاع عموم اعلام کنند.

مساله دیگری که در این باره مورد توجه واقع خواهد شد، نقش منفی مستقیمی است که «بنیاد حسین اف»، سفیر جمهوری آذربایجان در تهران در فضاسازی رسانه ای اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران با همکاری عوامل مرتبط با وی بازی کرده است. «بنیاد حسین اف» که در ماه های نخست مسئولیت خود در ایران خود را نماینده «بنیاد حیدرعلی اف»

تصور و برای پیگیری سیاست های این بنیاد معلوم الحال در ایران تلاش می کرد، بعدها با مشاهده حساسیت رسانه ای به این نقش وی، بطور چراغ خاموش و با بهره گیری از سابقه اش در «ام.ت.ان.» یا «کا.گ.ب.» سابق بطور پنهان برای پیگیری تحریکات قوم گرایانه و سوق دادن برخی ها در ایران به آنچه باکو آن را «آذربایجانگرایی» می نامد تلاش کرد و حتی با برخی چهره های مشهور ورزشی و فوتبالی و غیرفوتبالی ایران نیز دیدار و برای به اصطلاح «آذربایجانگرایی» آنها سعی نمود که قطعا نباید از چشم نهادهای ذیربط دور مانده باشد. این نیز از نظرهای تیزبین دور نماند که بنیاد حسین اف با تظاهر به ایران دوستی و تلاش برای بهبود روابط کشورش با ایران، حتی توانست در جمع برخی از اصحاب رسانه ایران خود را به عنوان فردی مثبت جا بزند و اعتماد آنها را جلب و از رسانه های ایران بطور غیرمستقیم برای تبلیغات خاص باکو بهره ببرد. اما، «بنیاد حسین اف» در هفته های اخیر نشان داد که نخواهد توانست ماموریت اصلی خود را زیر نقاب پنهان کاری و حتی بعضی خودزنی ها و تظاهر به دوستداری فرهنگ و تمدن ایرانی مخفی کند. به نقشی که «بنیاد حسین اف» در فضا سازی رسانه ای اخیر علیه ایران هم زمان با سفر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران به باکو ایفاء کرد، حتی در برخی از مقالات رسانه های باکو بطور ضمنی اذعان شد. تردیدی نیست که نهادهای ذیربط از این پس، راحت تر خواهند توانست ارتباطات مضر را که بنیاد حسین اف در ایران برقرار کرده و در چارچوب «پروژه نفوذ» به تدارک ستون پنجم باکو و در اصل ستون پنجم رژیم صهیونیستی در ایران مشغول است، خنثی کنند.